

بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش

رشته باستان‌شناسی در ایران

تأسیس، توسعه، اشتغال

(از ۱۳۱۴ تا ۱۳۹۶)

مهسا ویسی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صفحه آرا: جابر شیخ محمدی



## فهرست مطالب

۷	سخن پژوهشگاه
۱۱	پیشگفتار مؤلف
۱۳	مقدمه
	<b>فصل اول: تاریخ رشته باستان‌شناسی در ایران و برنامه‌های آموزشی آن</b>
۱۹	زمینه‌های تاریخی و فرهنگی شکل‌گیری علم و رشته باستان‌شناسی در ایران
۳۲	روند شکل‌گیری رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران
۳۲	تأسیس نخستین گروه باستان‌شناسی در دانشگاه تهران
۳۶	استادان باستان‌شناسی در سال‌های آغازین تأسیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران
۴۲	دانشجویان و برنامه‌های درسی تا پیش از ایجاد گروه‌های آموزشی
۴۸	عزت‌الله نگهبان و تحولات در آموزش باستان‌شناسی
۵۷	انقلاب فرهنگی و تغییر و بازنگری در سرفصل دروس رشته باستان‌شناسی
۵۷	مقطع کارشناسی باستان‌شناسی و برنامه آموزشی آن
۶۲	مقطع کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی و برنامه‌های آموزشی آن
۶۶	مقطع دکتری باستان‌شناسی و برنامه‌های آموزشی آن
۷۰	مقطع کاردانی باستان‌شناسی
۷۳	روند توسعه رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی
۹۰	بررسی علل رشد دانشجویان باستان‌شناسی در بستر سیاست‌های اجرایی دولت
	<b>فصل دوم: بررسی مهارت در برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی</b>
۹۷	نگاهی اجمالی بر «جامعه و باستان‌شناسی» در ایران
۱۰۸	باستان‌شناسی و علوم میان‌رشته‌ای

۴ بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش ...

- ۱۱۳ مهارت در باستان‌شناسی و نظام آموزشی آن
- ۱۱۵ رابطه علم و مهارت در برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی (از آغاز تاکنون)
- ۱۲۰ نگاهی بر ماهیت برنامه درسی و مقایسه آن با برنامه درسی رشته باستان‌شناسی
- ۱۲۴ نگاهی انتقادی بر درس مقطع کارشناسی باستان‌شناسی از منظر شاخص‌های برنامه درسی
- ۱۳۷ نگاهی انتقادی بر درس مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از منظر شاخص‌های برنامه درسی
- ۱۵۳ نگاهی انتقادی بر درس مقطع دکتری باستان‌شناسی از منظر شاخص‌های برنامه درسی
- ۱۵۶ بررسی ارتباط علم و مهارت در برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی براساس رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی

فصل سوم: بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته باستان‌شناسی

- ۱۶۹ نگاهی بر دلایل عدم اشتغال دانش‌آموختگان در ایران
- نقش عوامل مؤثر بر بیکاری دانش‌آموختگان علوم انسانی بر دانش‌آموختگان باستان‌شناسی
- ۱۷۷ اهداف شغلی مطرح شده در سرفصل‌های درس مقاطع گوناگون باستان‌شناسی
- ۱۹۱ وضعیت شغلی و بازارکار رشته باستان‌شناسی در خارج از کشور و مقایسه آن‌ها با داخل کشور
- ۱۹۳

فصل چهارم: راهکارهای افزایش مهارت و بهبود اشتغال دانش‌آموختگان رشته

باستان‌شناسی

- بررسی راهکارهایی برای بهبود و ارتقای سطح مهارت‌های دانشجویان در برنامه‌های آموزشی
- ۲۰۰
- بررسی راهکارهای بهبود و تسهیل اشتغال دانش‌آموختگان رشته باستان‌شناسی
- ۲۱۰
- سخن آخر
- ۲۲۷
- کتاب‌نامه
- ۲۳۵

## فهرست جدول‌ها و نمودارها

۲۸	تصویر ۱. تصویر نامه مظفرالدین شاه (کریم‌لو ۱۳۷۸: ۲۸۲)
۳۴	جدول ۱. برنامه سالیانه تدریس رشته «آثار باستان» ۱۳۱۴-۱۳۱۵ (سالنامه دانشسرای عالی، ۱۳۱۵)
۴۳	جدول ۲. فهرست دروس رشته باستان‌شناسی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ (نگهبان، ۱۳۷۶: ۷۲)
۵۰	جدول ۳. دروس و استادان جدید در سال تحصیلی ۱۳۳۸
۵۴	جدول ۴. دروس اختصاصی و عمومی در فاصله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۳
۶۰	جدول ۵. دروس رشته کارشناسی باستان‌شناسی طبق آخرین برنامه مصوب در سال ۱۳۶۵
۶۴	جدول ۶. دروس رشته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی طبق آخرین برنامه مصوب در سال ۱۳۶۵
۶۹	جدول ۷. دروس دکتری رشته باستان‌شناسی طبق آخرین برنامه مصوب در سال ۱۳۷۴
۷۲	جدول ۸. دروس کاردانی رشته باستان‌شناسی طبق آخرین برنامه مصوب در سال ۱۳۷۴
۷۸	نمودار ۱. رشد مقطع کارشناسی باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۶)
۸۰	نمودار ۲. رشد مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۶)
۸۲	نمودار ۳. رشد مقطع کاردانی باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی ۱۳۶۹-۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۶)

۶ بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش...

- نمودار ۴. رشد مقطع دکتری باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۶) ۸۴
- نمودار ۵. مقایسه تعداد دانشجویان تمام مقاطع در واحدهای مختلف دانشگاهی ۸۶
- نمودار ۶. رشد دانشجویان در تمام مقاطع تحصیلی ۸۸
- جدول ۹. بررسی دروس تکراری کارشناسی ارشد از دوره کارشناسی رشته باستان‌شناسی ۱۳۸

## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه

مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در

ایران نظر افکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در

چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و

تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از

سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و

هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه‌نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده‌نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.



در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همه مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغه استاد زنده‌یاد دکتر صادق آینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها،

شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تتکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت‌علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم‌انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم‌انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور

## پیشگفتار مؤلف

کتاب حاضر، محصول طرحی پژوهشی، در غالب طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور و کاربردی سازی علوم انسانی است، که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی متولی آن است. این طرح جامع در صدد است: «علوم انسانی را از پراکنده گویی های بی روش و بدون مسئله شناسی رها سازد». این امر همان کاربردی سازی دانش انسانی در مختصات ملی است، که قرار است علوم انسانی کشور را به سمتی سوق دهد، که نسبت آن با صنعت و جامعه، مُسَجَل و مشخص باشد. از این منظر تعبیر راه گشایی و گره گشایی از علوم انسانی را می توان به طرح اعتلای علوم انسانی اعطاء کرد. رشته باستان شناسی نیز از مُعضل علوم انسانی در کشور مستثنا نیست؛ عدم تعریف کاربرد صحیح از آن، مشکلی است که گریبان گیر دانش آموختگان این رشته در زمینه آموزش و مهارت و اشتغال آن ها شده است. لذا بررسی نسبت میان مهارت و تحصیل و اشتغال دانشجویان این رشته به مثابه ضرورت، مدنظر قرار گرفت.

از جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، رئیس محترم کارگروه تاریخ تحول علوم انسانی، که پیشنهاد انجام این کار را به نگارنده دادند، بسیار سپاسگزارم. همچنین مراتب قدردانی خود را از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حکمت الله ملاصالحی، که در این راه هرگز راهنمایی های خالصانه خود را دریغ نکردند، به جا می آورم. از همکاری جناب آقای دکتر شاهین آریامنش نیز بسیار سپاسگزارم.

۱۲ بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش...

بدیهی است که این اثر، با توجه به خلأهای مطالعاتی دربارهٔ موضوع و در دسترس نبودن بسیاری از پیشکسوتان و همچنین عدم همکاری بسیاری از دوستان و همکاران متخصص در پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه و در نهایت بضاعت علمی اندک نگارنده، با کاستی‌ها و نارسایی‌های بسیار همراه است. و می‌توان آن را تنها شروعی بر پژوهش‌های آینده دانست و امید است به کمک نقدهای سازندهٔ صاحب‌نظران، این کاستی‌ها مرتفع گردند.

مهسا ویسی

زمستان ۱۳۹۹

## مقدمه

یکی از مشکلات حال حاضر جامعه ایران در ارتباط با آموزش عالی، مسئله کاربرد علوم انسانی در جامعه و اشتغال است، که در سال‌های اخیر به اشکال گوناگون، این موضوع مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. در این میان آموزش عالی، حلقه اتصال میان دانش آموزی و مهارت و در نهایت اشتغال است. بنابراین بررسی اساس برنامه درسی در هر رشته‌ای می‌تواند در این زمینه بسیار مهم تلقی شود. با وجود اهمیت علوم انسانی و نقش ویژه این علوم در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط‌مشی‌های اصلی جامعه، در کشور ایران رشته‌های علوم انسانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد کاربرد روش‌های آموزشی نامناسب و مسئله محور نبودن این علوم و در بسیاری از موارد غیر بومی و وارداتی بودن آن‌ها، اساسی‌ترین مشکلات گریبان‌گیر این حوزه از علوم باشد، که منجر به کاهش شاخص‌های کیفی در آموزش رشته‌های علوم انسانی شده است. باستان‌شناسی نیز یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که بیش از هشتاد سال از عمر آموزش دانشگاهی آن در ایران می‌گذرد. این دانش، دانشی چندوجهی<sup>۱</sup> است که از ابعاد و وجوه گوناگون قابل بررسی است. از میان وجوه مختلفی که این دانش دارد، بُعد آکادمیک آن به مثابه یک رشته دانشگاهی در اینجا مورد نظر بوده؛ و معنای ماهیتی و معرفت‌شناختی آن

---

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به: ملاصالحی، حکمت‌الله. (۱۳۹۲). از قلم مورخان تا کلنگ باستان‌شناسان. مطالعات باستان‌شناسی، ۵ (۱) ۱۰۹-۱۲۶. و همچنین: ملاصالحی، حکمت‌الله. (۱۳۹۶). تأملی معرفت‌شناختی در مفهوم ماده و معنا در باستان‌شناسی، مطالعات باستان‌شناسی، ۹ (۱-پیاپی ۱۵) ۲۳۳-۲۵۰.

به هیچ وجه مورد نظر این مطالعه نیست، که آن خود مقوله‌ای جدا و بسیار مهم دیگری است. اینکه هر دانشی، در چه بستر فرهنگی‌ای زاده می‌شود و در چه بستر فرهنگی رشد می‌کند، تأثیر به‌سزایی در روند پیشرفت آن دارد. نکته مهمی که پیش از بررسی چگونگی شکل‌گیری رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران قابل بررسی است، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی حاکم بر جامعه است، که این رشته در آن شکل می‌گیرد. باستان‌شناسی در ایران، زاده ورود شرق‌شناسان غربی بود که با علم به ارزش دارایی‌های باستانی و غفلت طبقه حاکم در ایران، وارد این سرزمین شدند و بعدها در دوران پهلوی به دنبال باستان‌گرایی‌های رضا شاه به صورت رشته‌ای دانشگاهی درآمد. روند تدوین برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی و گرایش‌های مختلف آن، از ابتدای تأسیس تاکنون موضوع درخور توجهی است. زیرا با بحث مهارت برای دانش‌آموختگان این رشته، ارتباطی مستقیم دارد. نکته اساسی در رابطه با بررسی مسئله مهارت در هر علمی آن است، که ابتدا بایستی ماهیت آن تعریف شود تا بتوان متناسب با آن مهارتی را تعریف کرد. ماهیت یک علم به معنای بررسی همه‌جانبه تعریف آن است. جایگاه و کاربرد هر علمی در یک جامعه، نکته اساسی است که مهارت نیز با آن رابطه تنگاتنگ دارد. مادامی که تعریف صحیحی از جنبه‌های کاربردی یک علم نشود و سازوکار آن در بطن یک جامعه مشخص نباشد؛ سخن از آموزش و مهارت و اشتغال در آن گزاف و بیهوده است. نمی‌توان تعریف مشخصی از آن علم نداشت و درعین حال برای آن کاربردی قائل شد.

آشکار است که برنامه‌های آموزشی، در این میان نقش اساسی را در انتقال این مهارت به دانشجویان هر علمی بازی می‌کنند. بنابراین بررسی میزان هم‌پوشانی محتوای آموزشی با اهداف و کاربرد آن رشته، نکته بسیار ضروری و مهمی است، و بایستی در یک راستا باشند. ضعف در برنامه‌های آموزشی به قطعیت موجب ضعف در پرورش نیروی کار مرتبط با هر حوزه خواهد شد.

اهمیت این موضوع به قدری است که نادیده گرفتن آن می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر بدنهٔ یک جامعه وارد آورد و محتوا و ماهیت یک علم را دستخوش آسیب کند. بنابراین در مرحلهٔ برنامه‌ریزی دروس آموزشی، اساس محتوا بایستی طوری تنظیم شود، که علاوه بر حفظ همه‌جانبهٔ ماهیت آن علم، ارتباط مستقیم با مهارت‌های لازم برای کاربرد آن را داشته باشد. درعین حال برخی از مهارت‌های لازم در هر زمینه‌ای به بافت بومی آن جامعه نیز مرتبط است. به این معنا که هر علم یک شالودهٔ ثابت و مشترکِ عام دارد، که درعین حال بایستی با مؤلفه‌های بومی هر جامعه‌ای نیز همخوانی داشته باشد. باستان‌شناسی یکی از علوم وارداتی به ایران است؛ علمی که سالیان دراز، پیش از آنکه در ایران حتی بدان اندیشه شود، در بطن جوامع اروپایی و آمریکایی نفوذ کرده و وارد لایه‌های ذهنی جامعه شده بود و به اقتضای نیازهای این جوامع راه تکامل خود را پیموده و با گذراندن پله‌های نظری گوناگون قوام یافته بود؛ و سپس به صورت یک علم کاملاً غیربومی به ایران وارد شد.

درعین حال هدف غایی از آموزش در هر رشته‌ای، اشتغال و ورود به بازارکار است. در کشورهای پیشرفته اهداف شغلی از تربیت افراد در هر یک از مقاطع تحصیلی به تفکیک مشخص است و هرکس بر مبنای انتظار شغلی که دارد، تحصیل خود را ادامه می‌دهد. تاکنون از وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان به تفکیک رشتهٔ تحصیلی، اطلاعات جامعی در دست نیست. اما براساس بررسی وضعیت سازوکار باستان‌شناسی ایران، که ارتباط مستقیم با دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته دارد، و همچنین بحث در مورد مشاغل تعریف شده برای دانش‌آموختگان این رشته در جهان و مقایسهٔ برداشت عموم از کاربرد این رشته در ایران با اروپا (براساس نظرسنجی‌هایی که برخی محققان در این زمینه انجام داده‌اند)، می‌توان تا حدودی به شرایط بازارکار این رشته پی برد. برای عبور از این وضعیت می‌توان راهکارهایی را ارائه داد؛ اما نمی‌بایست از نظر دور داشت که راه‌حل‌ها همواره شرایط مطلوب را در نظر می‌گیرند و برای بهره‌برداری

از هر راه‌حلی نیاز به شرایط بسیار دیگری نیز است، که اگر هر یک از آن عوامل دخیل نباشند، توفیقی حاصل نخواهد شد. رشته باستان‌شناسی به‌لحاظ معنایی و کاربردی تا حدود بسیار زیادی از سایر رشته‌های علوم انسانی متفاوت است و شرایط خاص خود را دارد؛ اگرچه تمامی رشته‌های علوم انسانی در کشور ایران دچار مهجوریت هستند؛ اما بنا به برداشتی که جامعه از آن‌ها دارد و میزان حمایتی که دولت از آن‌ها می‌کند، شرایط متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند. بسیاری از مشکلات حاکم بر جامعه ایران موجب بر شمردن و اهم امور قرار دادن در سرمایه‌گذاری‌های معنوی و مادی بر برخی از رشته‌ها شده است، در نتیجه برخی از آن‌ها بیش از حد رشد کرده و برخی دیگر بیش از حد مهجور مانده‌اند، بنابراین نمی‌توان تنها به ارائه راه‌حل اکتفا کرد. نباید از نظر دور داشت، که شرایط رشته باستان‌شناسی به دلیل آنکه یک دانش وارداتی است، اندکی متفاوت است. البته بسیاری از دانش‌ها در ایران وارداتی هستند ولی تفاوت در آنجاست، که دیگر دانش‌ها توانسته‌اند وارد بطن جامعه شوند و جای خود را بیابند؛ اما باستان‌شناسی ایران تاکنون نتوانسته سؤال و فرضیه‌ای ایرانی برای خود داشته باشد و وارد لایه‌های جامعه شود. بنابراین حل مشکلات و معضلات گریبان‌گیر این رشته، به‌خصوص در اشتغال، نیازمند گام‌های ریشه‌ای‌تر و اساسی‌تری است.

به‌طور کلی این اثر به بررسی انتقادی فرایند شکل‌گیری و تحول رشته باستان‌شناسی در بستر تاریخی ایران معاصر و عمدتاً ناظر بر باستان‌شناسی از بُعد یک رشته دانشگاهی (آکادمیک) و از منظر جنبه‌های مهارتی و اشتغال‌آفرینی می‌پردازد. بررسی علل و تاریخچه شکل‌گیری رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، تحولات برنامه‌های آموزشی، روندهای توسعه و مبانی فکری نظری این رشته و نسبت آن با مسأله مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان، مباحثی است که براساس خلاهای مطالعاتی موجود، نیاز به بررسی آن‌ها وجود داشته است. این اثر در چهار فصل اصلی به بررسی مسائلی



از قبیل «دلایل عمده تأسیس و توسعه رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران و رویکردهای اصلی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی آن»؛ «شناخت رابطه علم و مهارت در برنامه آموزشی رشته باستان‌شناسی»؛ «وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این رشته»؛ «ارائه راه‌حلی برای غلبه به بحران و اشتغال دانش‌آموختگان رشته باستان‌شناسی» پرداخته است. به هر روی در بررسی هر موضوعی نکات مغفولی وجود دارد، که قابل بررسی نیستند، و با از نظر دور می‌مانند و این اثر نیز خالی از این موارد نیست.



## فصل اول

### تاریخ رشته باستان‌شناسی در ایران و برنامه‌های آموزشی آن

#### زمینه‌های تاریخی و فرهنگی شکل‌گیری علم و رشته باستان‌شناسی در ایران

باستان‌شناسی، مطالعه رفتار بشر قدیم است بر پایه یافته‌های موجود. این آثار به جا مانده به اشکال مختلفی یافت می‌شود و تمامی این یافته‌ها، پرونده‌ای باستان‌شناختی را تشکیل می‌دهد؛ مجموعه‌هایی از گذشته متشکل از یافته‌های موجود در اثر رفتار انسان قدیم و بازسازی چنین رفتاری از چنین آثار ناقصی، به مهارت زیاد علمی و بینش و خلاقیت نیاز دارد (فاگان، ۱۳۹۶: ۳). به عبارت دیگر مطالعه فعالیت‌های انسانی از طریق بازمیابی و تجزیه و تحلیل فرهنگ مادی است و آن را می‌توان هم یک علم اجتماعی دانست و هم شاخه‌ای از علوم انسانی (Renfrew and Bahn, 1991: 13).

از قرن پانزدهم در ایتالیا و قرون شانزدهم و هفدهم در کشورهای شمال غربی اروپا، انجمن‌های باستان‌دوستی بر پا شد. اشتیاق اروپاییان باستان‌دوست به مطالعه گذشته با تخصصات دریاوردانشان و استعمار بلاد دیگر قاره‌ها مصادف بود (Orme, 1981). برای نسل‌های متمادی باستان‌شناسی، پدیده‌ای در انحصار دانشمندان اروپایی و آمریکای شمالی به حساب می‌آمد. نخستین باستان‌شناسان اغلب مردان و زنانی غیر حرفه‌ای و با

اهداف شخصی بودند. گسترش تحقیقات باستان‌شناختی در جهان از دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آغاز شد؛ زمانی که دولت‌های استعمارگر بلژیک و فرانسه و بریتانیا در مستعمره‌هایشان، موزه و مؤسسات تحقیقاتی تأسیس کردند. در پایان دهه ۱۹۵۰ اغلب فعالیت‌های باستان‌شناسی، منطقه‌ای شد و در نقاط محدودی از جهان متمرکز گردید (فاگان، ۱۳۹۶: ۷). از اوایل قرن نوزدهم زیر بنای نظری باستان‌شناسی با سرعت بیشتری گسترش یافت و رفته‌رفته براساس مفاهیمی چون دوران پیش از تاریخ و مجموعه‌سازی و طبقه‌بندی شکل می‌گرفت. تا اواسط دهه ۱۹۲۰ زیر بنای مکتبی ریخته شد که امروزه تاریخ فرهنگی خوانده می‌شود. باستان‌شناسی از فرضیه‌پردازی و گردآوری آثار باستانی، به تشریح و تحلیل منظم بقایای مادی تحول یافت و باستان‌شناسان به ارزش بالقوه برخی از آثار مادی پی بردند (Dark, 1995). آغاز تحولات جدی در اهداف و روش‌های باستان‌شناسی را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ میلادی جست‌وجو کرد. زمانی که باستان‌شناسان آمریکای شمالی و اروپایی، ضمن گذار از باستان‌شناسی تاریخی - فرهنگی، توجه خاصی نسبت به باستان‌شناسی نظری داشتند؛ لوئیس بینفورد و دیوید کلارک با انتشار دو کتاب، دست‌اندرکاران باستان‌شناسی را به متحول کردن زیر بنای نظری رشته‌شان فراخواندند (Clarke, 1965, 1968; Binford & Binford, 1968). باستان‌شناسی جدید در انگلستان و آمریکا به سرعت رشد کرد و مکتب مهمی گردید؛ از دهه ۱۹۷۰ به بعد انواع رویکردهای دیگر باستان‌شناسی مانند: «تاریخ فرهنگی، روندگرا، پس‌روندگرا، مارکسیسم» با دیدگاه‌های نظری خود ادامه یافتند (Binford & Binford, 1968).

آنچه که در اروپای غربی و آمریکای شمالی در زمینه تحول در تفکر باستان‌شناسی اتفاق افتاد، هرگز در ایران به وقوع نپیوست. زمینه نخستین شکل‌گیری باستان‌شناسی و موزه‌داری ایران را می‌توان از میان دو دسته منبع اطلاعاتی پی گرفت: «اول سفرنامه‌ها و شرح مسافرت‌ها و یادداشت‌های